



بسمه تعالی

## آلبوم شخصیت های مرتبط با خانم مرضیه حدیدچی

معروف به مرضیه دباغ

تهیه شده در خانه هنری رسانه ای دیما

اسفند ۱۳۹۵

خانه هنری رسانه ای دیما

**نام:** علی پاشا حدیدچی

**تولد:** همدان

**فعاليتها:** در همدان مغازه کتاب فروشى داشت و استاد اخلاق بود. مغازه کتاب فروشى او، محل حل مشکلات مردم بود. پس از ورشکستگى مغازه را تعطیل کرد و به شهر مقدس مشهد رفت و به شاگردى در یک مغازه مشغول شد. پس از مدتی به تهران رفت و ناظر خرید کارخانه اى شد. به فرزندان احکام نماز و روزه و درس های از نهج البلاغه می آموخت.

**ارتباط با خانم مرضيه دباغ:**

پدر خانم دباغ بود. (کتاب خاطرات، فیش ۱)  
 زمان ورود متفقین به همدان، خانواده به باغی در اطراف همدان رفتند تا آرامش به شهر برگردد. (کتاب خاطرات، فیش ۲)  
 در کودکی وقتی خانم دباغ از متفقین خوراکی می گرفت مورد مواخذه پدر قرار گرفت و پشیمان شد. (کتاب زنى از تبار الوند، فیش ۳)  
 پدر، خانم دباغ را از یاد گرفتن نوشتن در مکتبخانه منع کرده بود و او پنهانی در زیرزمین تمرین نوشتن می کرد. (کتاب خاطرات، فیش ۴)

زمانی که خانم دباغ به دلیل درشکه سوار شدن از رفتن به مکتبخانه منع شد، پدر در خانه به او قرآن و نهج البلاغه و مفاتیح الجنان و احکام آموزش می داد. (کتاب خاطرات، فیش ۴)

محمدحسن دباغ، خواستگار مرضيه، از آشنایان پدر بود. شناخت و رضایت پدر سبب ازدواجشان شد. (کتاب خاطرات، فیش ۶)  
 سال ۱۳۴۷ پدر و مادر خانم دباغ به تهران مهاجرت کردند. (کتاب خاطرات، فیش ۴)



بعد از آزاد شدن خانم دباغ از اولین نوبت دستگیری ساواک، پدر او را مواخذه کرد و توصیه کرد به زندگى اش بپردازد. (کتاب خاطرات، فیش ۴۲)  
 سال ۱۳۵۳ که خانم دباغ در زندان قصر بود، اعضای خانواده من جمله پدر به دیدارش می رفتند. (کتاب خاطرات، فیش ۵۱)

نام: فاطمه احمدى

تولد: همدان

سال ۱۳۵۳ که خانم دباغ در زندان قصر بود، اعضاى خانواده من جمله مادر به دیدارش مى رفتند . (کتاب خاطرات، فیش ۵۱)



**فعاليتها:** مادر مرحومه فاطمه احمدى در ميان زنان هم عصر خود برجسته بود. در زمانى که زن ها قادر به خواندن و نوشتن نبودند و اجازه ى يادگيرى به آن ها داده نمى شد، او سواد قرآنى داشت، روزنامه مى خواند و اهل مطالعه بود. سوادش را از مادر بزرگم ياد گرفته بود که مثل او، کلاس هاى روخوانى قرآن خانم ها را در منزل اداره مى کرد.

از تباط با خانم مرضيه دباغ:

مادر خانم دباغ بود.

در کودکى وقتى خانم دباغ از متفقين خوراكى مى گرفت ، مادر گلایه او را نزد پدر برد و مورد مواخذه پدر قرار گرفت و پشيمان شد. (کتاب زنى از تبار الوند، فیش ۳)

در سال ۱۳۴۷ به تهران مهاجرت کردند و در محله نيروى هوایى براى زنها کلاس قرآن برگزار مى کرد. (مصاحبه با رضوانه دباغ)

**نام:** محمد حسن دباغ

**تولد:** ۱۳۰۳ همدان

**فعالیتها:** در کار تجارت بوده تا اینکه در سال ۱۳۴۷ ورشکست می شود و به عنوان حسابدار شرکت ساختمان سازی در شهرستان های مختلف مثل شیراز و دزفول و امیدیه مامور به خدمت می شود. نسبت به سیاسی بی تفاوت نبود و پیش آمده بود که چاپ ۵ هزار اعلامیه را برعهده بگیرد.

**ارتباط با خانم مرضیه دباغ:**

در سال ۱۳۳۳ با خانم دباغ (مرضیه حدیدچی) ازدواج می کند.

تا قبل از عقد همدیگر را ندیده اند و حتی موقع عقد در اتاق جدا از هم بودند. (کتاب خاطرات، فیش ۷)

حسن دباغ اهل کار بود، اما نسبت به سیاست هم بی تفاوت نبود. پای منبر و عظمی نشست و گه گاه اعلامیه ها را در بازار، جابه جا می کرد. (کتاب زنی از تبار الوند، فیش ۷)

به مرضیه پیشنهاد داد که در کلاسهای حوزه‌ی حاج اقا کمال مرتضوی که امام جماعت مسجد بود شرکت کند. (کتاب خاطرات، فیش ۱۰)

به پیشنهاد ایت الله موسوی همدانی، حسن دباغ به مرضیه گفت که در کلاس های درس آیت الله سعیدی شرکت کند. (کتاب زنی از تبار الوند، فیش ۱۱)

وقتی از فعالیت های مرضیه زیر نظر آیت الله سعیدی اعلام نارضایتی کرد، با صحبت آیت الله سعیدی، مرضیه را وقف فعالیت در راه اسلام کرد و مرضیه نام دباغ را برای سهیم کردن همسرش در اجر مجاهدت برگزید. (کتاب خاطرات، فیش ۲۱)

زمانی که در دزفول مشغول کار بود، به پیشنهاد یکی از درجه داران، مرضیه برای سخنرانی به دزفول رفت (کتاب خاطرات، فیش ۲۶)

شبی که پس از مدتها حسن دباغ از شهرستان به تهران آمده بود، ساواک برای دستگیری خانم دباغ آمد و خانم دباغ همسرش را از راه پشت بام فراری داد تا حداقل او بالای سر بچه ها باشد. (کتاب خاطرات، فیش ۳۵)

در سال ۱۳۵۴ برای یافتن مرضیه راهی خارج از کشور شد و از طریق دفتر امام موسی صدر موفق به دیدار مرضیه شد. (کتاب خاطرات، فیش ۶۵)



نام: رضوانه دباغ

تولد: ۱۳۳۶ تهران

فعالیتها: دانش آموز مدرسه رفاه بود و با بعضی دوستانش شعر های رادیو عراق را می نوشت و در مدرسه پخش می کرد.

ارتباط با خانم مرضیه دباغ:

دختر دوم خانم دباغ است.

در سن ۱۳ سالگی نامزد کرد که به دلیل سن پایین مجبور به اجازه از دادگاه شدند. (کتاب خاطرات، فیش ۳۲)

در سال ۱۳۵۲ که خانم دباغ دستگیر شد، در جستجوی خانه دفتری به دست خط رضوانه یافتند که سرود های انقلابی عربی نوشته بود و به همین دلیل او را هم دستگیر کردند و به زندان ساواک بردند.

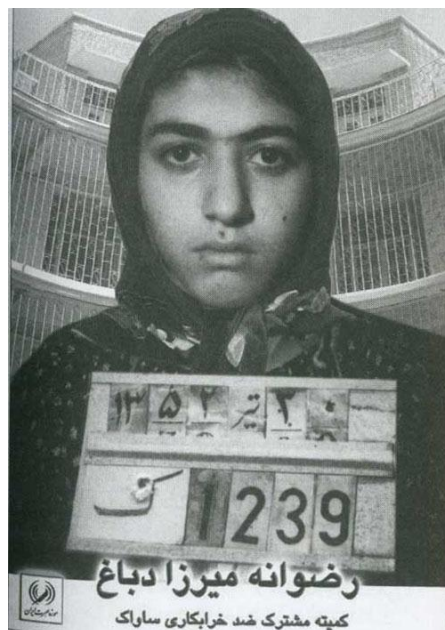
در زندان به دلیل گرفتن چادرهایشان، پتو سر می کردند. (کتاب خاطرات، فیش ۳۷)

یک شب تا صبح رضوانه را شکنجه کردند و جسم بی جانش را به بیمارستان شهربانی بردند (کتاب خاطرات، فیش ۳۸)

رضوانه را به زندان قصر منتقل کردند و خانم دباغ تا مدتی بعد که در زندان ساواک بود از او بی خبر بود. (کتاب خاطرات، فیش ۴۰)

مدتی بعد از آزاد شدن خانم دباغ از زندان ساواک او را در زندان قصر زندانی کردند. خانم دباغ پس از مدت ها رضوانه را در آن جا دید. (کتاب خاطرات، فیش ۴۴)

زمانی که خانم دباغ به خارج از ایران رفتند، نگهداری از فرزندان کوچکتر بر عهده رضوانه و خواهر بزرگترش بود. (مصاحبه با رضوانه دباغ)



**نام:** روح الله خمینی

**تولد:** ۱۲۸۱ خمین

**فعالیتها:** بنیان گذار نظام جمهوری اسلامی در ایران بود.

**از تباط با خانم مرضیه دباغ:**

خانم دباغ در سال ۱۳۴۱ چهره امام را در سنین جوانی برای اولین بار در خواب دید. در خواب سید جوانی را دیدی که دستش درد میکند و در بستر است. بعدها چهره همان جوان را در اعلامیه ها دید و او را شناخت. (کتاب خاطرات، فیش ۱۲)

بعد از آزادی امام خمینی در سال ۱۳۴۱، خانم دباغ به همراه همسرش به قم رفت و امام را در مسجد از دور زیارت کرد. (کتاب خاطرات، فیش ۱۴)

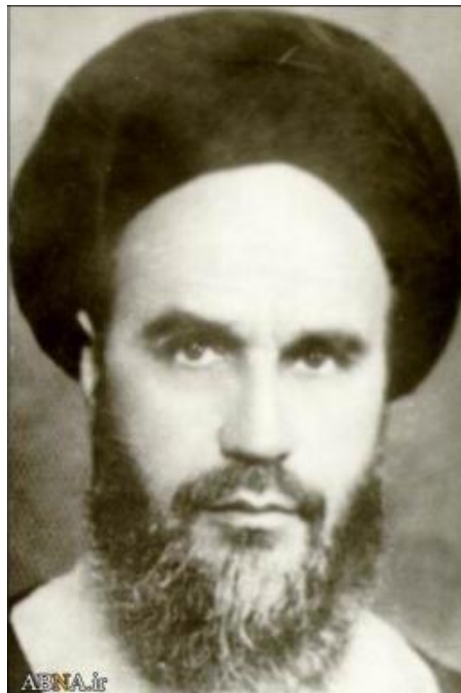
وقتی خانم دباغ شاگرد آیت الله سعیدی بود، در مورد سخنرانی زن برای زنان و گواهینامه رانندگی گرفتن از امام خمینی استفتا کرد.

وقتی خانم دباغ همراه گروه محمد منتظری در خارج از ایران بود برای عرض حال و کمک گرفتن از امام به نجف رفت. امام خانم دباغ را شناخت زیرا در نامه

های آیت الله سعیدیبه ایشان پرداخته شده بود. امام از دوران زندان ساواک از خانم دباغ جويا شد. (کتاب خاطرات، فیش ۵۹)

زمانی که امام در نوفل لوشاتو بود، خانم دباغ برای محافظت و تدبیر امور بیت امام فراخوانده شد. (کتاب خاطرات، فیش ۸۱)

بعد از انقلاب خانم دباغ برای ارائه گزارش هفتگی از سمت هایی که داشت برای



دیدار امام به جماران می رفت. (کتاب خاطرات، فیش ۱۳۳)

امام خانم دباغ را همراه گروهی برای ابلاغ نامه به گورباچف انتخاب کردند. (کتاب خاطرات، فیش ۱۳۵)



**نام:** سيد محمدباقر موسوى همدانى

**تولد:** ۱۳۰۴ روستاى آل كبود بيجار

**فعاليتها:** از مجتهدين و محققين و مدرسان حوزه علميه در دوران معاصر است.

از جمله آثار وي مى توان به ترجمه «تفسيرالميزان» «علامه طباطبائى اشاره کرد. او قبل و بعد از انقلاب، در درس‌هاى فقهى و اصولى امام خمينى شرکت مى کرد و با ياران بزرگ انقلاب آيات بزرگوار: شهيد سيد محمدرضا سعيدى، شهيد سيد محمد بهشتى، ميرزا على مشکينى، محمد شاه‌آبادى و مرحوم شيخ عبدالرحيم ربانى شيرازى رابطه قوى داشت و در نشر و تبليغ برنامه‌هاى انقلاب اسلامى، پرتلاش و كوشا بود.

پس از پيروى انقلاب اسلامى مسؤليت پاسخ به نامه‌ها را در دفتر امام خمينى در قم بر عهده گرفت و اينوظيفه را تا آن هنگام كه امام در قم بودند ادامه داد. مدت دو سال از طرف امام، مسؤليت امامت جمعه شهر نراق را بر عهده گرفت

**ارتباط با خانم مرضيه دباغ:**

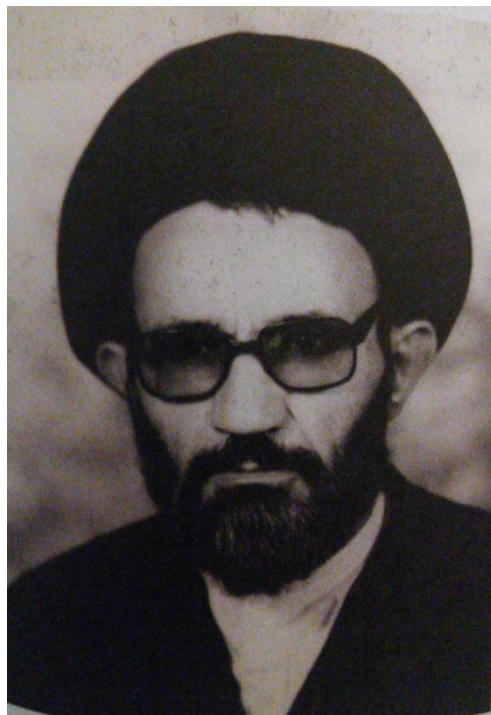
ايشان برادر خوانده حسن دباغ بود و به خانم دباغ محرم بود. (كتاب زنى از تبار الوند، فيش ۱۲)

بعد از ديدار با امام، خانم دباغ به بيمارى سختى مبتلا شد و با دعائى آيت الله موسوى همدانى بهبود يافت. (كتاب خاطرات، فيش ۱۴)

آيت الله موسوى همدانى، آيت الله سعيدى را براى تدريس به خانم دباغ به حسن دباغ معرفى کرد. (كتاب زنى از تبار الوند، فيش ۱۱)

بعد از شهادت شهيد سعيدى، تدريس به خانم دباغ را به عهده گرفتند. (كتاب زنى از تبار الوند، فيش ۱۱)

بعد از انقلاب براى درخواست كمك به محرومان نزد امام رفتند و با يك گونى برگشتند. خانم دباغ در راه ايشان راديدند و به حمل گونى كمك كردند. وقتى گونى را باز كردند ديدند بسته‌هاى پول را حمل مى كردند. (كتاب زنى از تبار الوند، فيش ۱۳)



**نام:** آیت الله سید محمدرضا سعیدی

**تولد:** ۱۳۰۸ مشهد

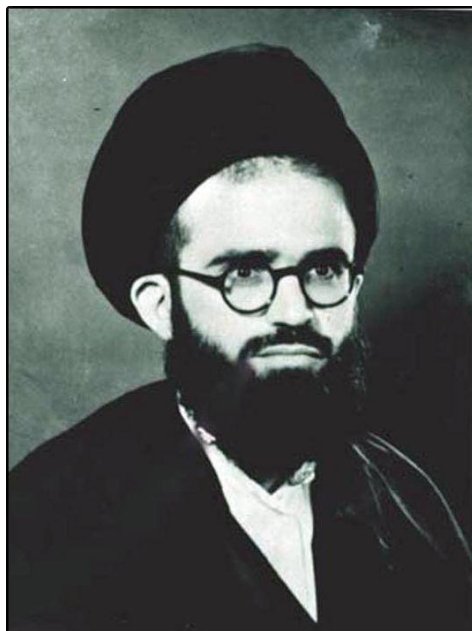
**فعالیتها:** او حوزه علمیه ای ویژه خواهران تاسیس نمود و امام جماعت مسجد موسی بن جعفر تهران بود. ایشان با امام مکاتبات متعددی داشتند. وی در سال ۱۳۴۵، به دنبال ایراد یک سخنرانی درباره اسراییل دستگیر و به مدت ۶۱ روز زندانی شد. پس از آن در اردیبهشت ۱۳۴۹ و در قضیه ورود سرمایه‌گذاران آمریکایی به ایران، اقدام به انتشار اعلامیه‌ای به زبان عربی، خطاب به علمای کشورهای اسلامی زد و از آن‌ها دعوت به اعتراض و مخالفت نمود. به دنبال این اقدام مجدداً دستگیر و در زندان قزل‌قلعه زندانی شد و در خرداد ۱۳۴۹ به شهادت رسید.

**ارتباط با خانم مرضیه دباغ:**

فعالیت سیاسی خانم دباغ از سال ۱۳۴۶ و زیر نظری آیت الله سعیدی که از پیروان امام خمینی بود، آغاز می‌شود. نوشتن اعلامیه و فتوای امام و پخش کردن آن، برگزاری اردوهای تشکیلاتی و جلسات درس حوزوی از جمله فعالیت آن‌ها بود.

زمانی که حسن دباغ از ادامه فعالیت خانم دباغ ناراضی بود، با صحبت آیت الله سعیدی، او پذیرفت که مرضیه را وقف اسلام کند و مرضیه نام دباغ را برای سهیم بودن همسرش در اجر مجاهداتش انتخاب کرد. (کتاب خاطرات، فیش ۱۶)

زمان دستگیری آیت الله سعیدی، خانم دباغ در خانه ایشان بود و اعلامیه‌هایی که در خانه بود به بیرون خانه منتقل کرد. (کتاب خاطرات، فیش ۲۴)





**نام:** عبدالرحیم ربانی شیرازی

**تولد:** ۱۳۰۱ شیراز

**فعالیتها:** نماینده ولی فقیه در استان‌های کردستان، آذربایجان و فارس، عضو مجلس خبرگان قانون اساسی و مجلس خبرگان رهبری و شورای نگهبان

**ارتباط با خانم مرضیه دباغ:**

بعد از دیدار با امام خمینی در سال ۱۳۴۲ در قم، خانم دباغ برای پرسش و پاسخ به محضر علما می رفتند و آیت الله ربانی شیرازی هم یکی از این علما بودند. (کتاب خاطرات، فیش ۲۴)

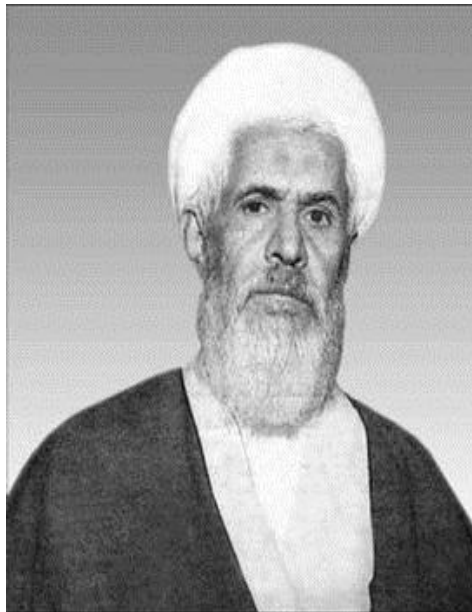
بعد از تحصیل نزد آیت الله سعیدی، خانم دباغ برای آوردن اعلامیه از قم به تهران مشغول شد و یکی از منازلی که در قم از آن اعلامیه تهیه می کرد منزل آیت الله ربانی بود. (کتاب خاطرات، فیش ۲۳)

برای برگزاری اردوهای تشکیلاتی با مدیریت آیت الله سعیدی در کرج، از آیت الله ربانی برای سخنرانی دعوت می شد.

پس از شهادت شهید سعیدی، خانم دباغ برای ادامه فعالیت به مرتبطين شهید سعیدی در قم مراجعه نمود و آیت الله ربانی از این جمله بود. (کتاب خاطرات، فیش ۲۵)

زمانی که خانم دباغ در زندان ساواک زندانی بود و رضوانه را تا حد مرگ شکنجه کردند، صوت ملکوتی قرآن خواندن آیت الله ربانی که در همان بند بازداشت بود، خانم دباغ را تسلی داد. (کتاب خاطرات، فیش ۳۸)

مهر ۱۳۵۶ که خانم دباغ در خارج از ایران بود، به دلیل شدت یافتن شکنجه تنی چند از علما توسط ساواک که آیت الله ربانی یکی از ایشان بود، در پاریس اعتصاب غذایی شکل گرفت. (کتاب خاطرات، فیش ۷۶)



نام: سید مجتبی صالحی خوانساری

تولد: ۱۳۲۳

**فعالیتها:** قبل از انقلاب به تدریس دروس حوزه و افشاگری علیه رژیم پهلوی می پرداخت. در تاریخ ۱۳۶۲/۱۱/۲۹ به دست عوامل ضد انقلاب در جوانرود کردستان به شهادت رسید.

ارتباط با خانم مرضیه دباغ:

پس از شهادت شهید سعیدی، خانم دباغ برای ادامه تحصیل حوزوی و خواندن شرح لمعه و مکاسب نزد ایشان می رود. (کتاب خاطرات، ۲۵)



نام: منوچهر وظیفه‌خواه (دکتر منوچهری)

تولد: ۱۳۱۹

**فعالیتها:** یکی از بازجویان ساواک در زندان کمیته مشترک ضدخرابکاری بود. او به پاس خدماتش به سازمان امنیت کشور، موفق به دریافت مدال جشن‌های ۲۵۰۰ ساله نشان درجه ۳ کوشش و نشان درجه ۳ پاس شد.

وی با پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ از ایران خارج شد و پس از مدتی در اثر افسردگی خودکشی کرد.



ارتباط با خانم مرضیه دباغ:

مامور بازجو و شکنجه خانم دباغ در ساواک منوچهری بود. (کتاب خاطرات،

فیش ۴۱)

نام: سوسن حداد عادل

تولد:

**فعالیتها:** قبل از انقلاب دانش آموز مدرسه رفاه بود و به پخش اعلامیه می پرداخت.

**ارتباط با خانم مرضیه دباغ:**

سوسن حداد عادل با رضوانه دباغ، دختر خانم دباغ در مدرسه رفاه درس می خوانده است.

در زندان قصر، خانم دباغ و رضوانه با سوسن حداد عادل هم بند بودند.(کتاب خاطرات، فیش ۴۴)

نام: عاطفه گرگین (گلسرخ)

تولد:

فعالیتها: او همسر خسرو گلسرخ بود و تفکر چپ مارکسیستی داشت.

ارتباط با خانم مرضیه دباغ:

زمانی که خانم دباغ در زندان قصر بازداشت بود با عاطفه گلسرخ هم بند بود. (کتاب خاطرات، فیش ۴۴)

خانم دباغ شبها برای نماز خواندن به حمام زندان می رفته و عاطفه گلسرخ پیش رییس زندان می رود و او را لو می دهد. (کتاب خاطرات، فیش ۴۸)



نام: محمد منتظری

تولد: ۱۳۲۳ نجف آباد اصفهان

**فعالیتها:** از مبارزان با حکومت پهلوی بود که بارها به زندان افتاد. پس از انقلاب نماینده اولین دوره مجلس شورای اسلامی شد. ۷ تیر ۱۳۶۰ در بمبگذاری دفتر حزب جمهوری به شهادت رسید.

**ارتباط با خانم مرضیه دباغ:**

بعد از سال ۱۳۴۲ ارتباط خانم دباغ با علمای قم آغاز شد و در طی جلسات پرسش و پاسخ از محضر علما، یکی از کسانی که با ایشان دیدار داشتند شهید منتظری بود. (کتاب خاطرات، فیش ۱۵)

فراری دادن خانم دباغ از بیمارستان به خارج از کشور بعد از دستگیری دوم ساواک، توسط محمد منتظری انجام شد. (کتاب خاطرات، فیش ۵۳)

زمانی که خانم دباغ در انگلستان ساکن بودند، با آمدن محمد منتظری، ایشان جایگاهی در بین نیروهای انقلابی خارج از کشور پیدا کردند. (کتاب خاطرات، فیش ۵۶)

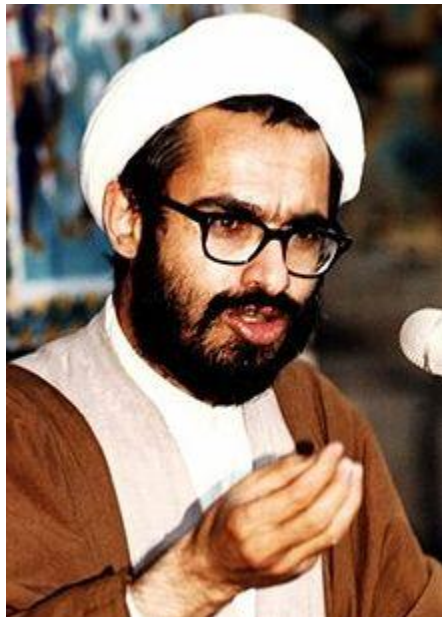
خانم دباغ به عنوان یکی از اعضای تیم محمد منتظری همراه گروه به سوریه مهاجرت کرد. (کتاب خاطرات، فیش ۵۷)

بعد از دیدار خانم دباغ با همسرشان در لبنان، محمد منتظری خانم دباغ را تنبیه می کند و ایشان را در هتلی رها می کند تا اینکه از شدت ضعف کارشان به بیمارستان کشیده می شود. (کتاب خاطرات، فیش ۶۶)

در مهر ۱۳۵۶ اعتصاب غذایی با برنامه ریزی محمد منتظری در کلیسایی در پاریس برگزار شد. (کتاب

خاطرات، فیش ۷۶)

در جلسات تشکیل سپاه و بحث بر روی فلسفه وجودی سپاه، محمد منتظری و خانم دباغ حاضر بودند. (کتاب خاطرات، فیش ۱۰۶)





**نام:** سید محمد غرضی

**تولد:** ۱۳۲۰ در اصفهان

**فعالیتها:** استاندار کردستان و خوزستان، نماینده اولین دوره مجلس شورای اسلامی از اصفهان، وزیر نفت در دولت مهدوی کنی و میر حسین موسوی و وزیر پست و تلگراف و تلفن، در دولت دوم موسوی و دولت اکبر هاشمی رفسنجانی بود. او از زمان تأسیس تا ۱۳۸۹، در پنج دوره سه ساله، ریاست سازمان نظام مهندسی کشور را بر عهده داشت. او بمدت یک سال عضو اولین دوره شورای اسلامی شهر تهران بود. او هم اکنون رئیس هیئت مدیره و مسئول مدیریت شرکت مشاور، بزرگترین شرکت مشاور وزارت نیرو، است.

**ارتباط با خانم مرضیه دباغ:**

محمد غرضی به عنوان یکی از اعضای تیم محمد منتظری با حضور خانم دباغ به سوریه می رود. ( کتاب خاطرات، فیش ۵۷)

محمد غرض در قالب گروه محمد منتظری قبل از انقلاب برای تبلیغ و پخش اعلامیه امام در سفر حج به عربستان رفت. (کتاب خاطرات، فیش ۵۸)

در اعتصاب غذای کلیسای سنت مری پاریس حضور داشت و لباس روحانی پوشیده بود تا اعتصاب غذای وجه اسلامی پیدا کند. (کتاب خاطرات، فیش ۷۶)



نام: سعید تقدیسیان

تولد:

فعالیتها: در سال ۱۳۷۶ نشان دولتی درجه سوم خدمت به آقای سعید تقدیسیان اعطا شد. در سال ۱۳۹۲ قائم مقام معاون حقوقی رئیس جمهور شد.

ارتباط با خانم خانم دباغ:

سعید تقدیسیان به عنوان یکی از اعضای تیم محمد منتظری با حضور خانم دباغ به عربستان و سوریه می رود. ( کتاب خاطرات، فیش ۵۷ و ۵۸ )



نام: علی جنتی

تولد: ۱۳۲۸، قم

### ارتباط با خانم مرضیه دباغ:

در مدت حضور مرضیه دباغ در خارج از کشور، علی جنتی همانند مرضیه دباغ یکی از اعضای گروه محمد منتظری بوده است و به فعالیت علیه رژیم پهلوی می پرداخته. (کتاب خاطرات، فیش ۵۷ و ۵۸)



**فعالیتها:** جنتی از دانش‌آموختگان مدرسه حقانی قم است. وی از نزدیکان محمد منتظری به شمار می‌رفت. از سال ۱۳۴۷ شروع به مبارزه مسلحانه علیه حکومت وقت کرد که همان سال توسط ساواک شناسایی و تحت تعقیب قرار گرفت و ناچار به فرار از ایران شد.

در سال ۱۳۵۸ عضو شورای نظارت بر صدا و سیما در سال ۱۳۵۹ رئیس صداوسیما استان خوزستان و در سال ۱۳۶۳ استاندار خوزستان شد. در سال ۶۷۷ ریاست دفتر اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس را برعهده گرفت و در دوران ریاست جمهوری هاشمی از ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۱ به استانداری خراسان رسید. از ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۷ به معاونت بین‌الملل وزارت ارشاد، و تا پایان دوره ریاست جمهوری محمد خاتمی به سفارت ایران در کویت منصوب شد. با آغاز کار دولت یازدهم، علی جنتی به عنوان وزیر پیشنهادی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شد.

نام: مصطفی چمران

تولد: ۱۳۱۰ تهران

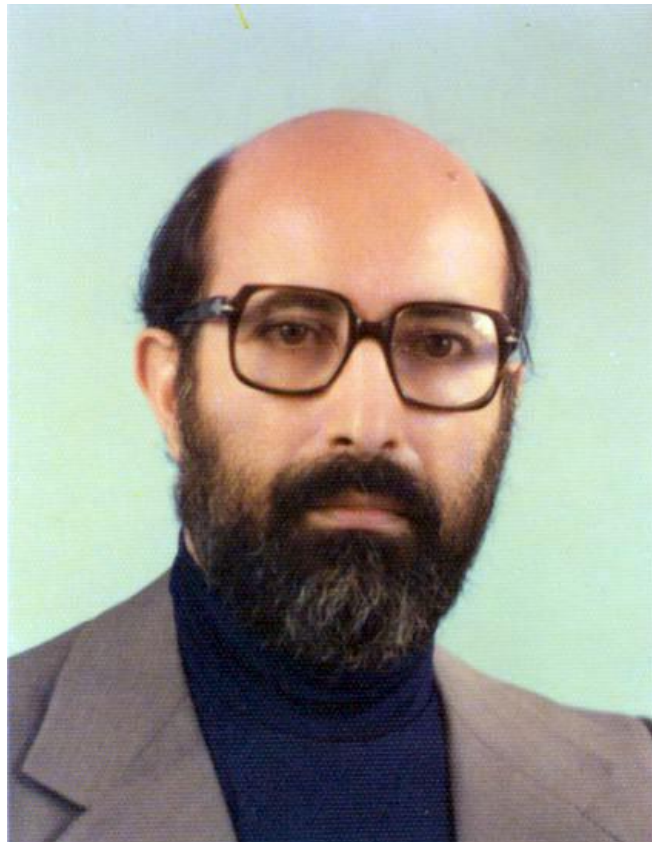
**فعالیت ها:** فیزیکدان، فعال سیاسی، از اعضای نهضت آزادی ایران، از همراهان موسی صدر در تشکیل جنبش امل (لبنان)، وزیر دفاع ایران، نماینده دوره اول مجلس شورای اسلامی، از فرماندهان ایران در جنگ ایران و عراق و بنیان گذار ستاد جنگ‌های نامنظم در جریان جنگ ایران و عراق بود. چمران در هنگام سرکشی به یکی از مناطق جنگی در دهلاویه، مورد اصابت ترکش خمپاره قرار گرفت و در تاریخ ۳۱ خرداد ۱۳۶۰ به شهادت رسید.

ارتباط با خانم مرضیه دباغ:

خانم دباغ در دوران حضورش در خارج از ایران با سفر به لبنان با مصطفی چمران آشنا شد. (کتاب خاطرات، فیش ۶۱)

خانم دباغ شبی در خانه چمران مهمان بوده و تحت تاثیر معنویت او قرار می گیرد. (کتاب خاطرات، فیش ۶۲)

خانم دباغ در زمان جنگ برای شکست حصر پاره با کمک سپاه همدان به کمک نیروهای چمران می شتابد. (کتاب خاطرات، فیش ۱۲۲)



**نام:** موسی صدر

**تولد:** خرداد ۱۳۰۷ در قم

**فعالیت ها:** مرجع دینی و سیاسی شیعیان بود که پس از هجرت از ایران به لبنان، مجلس اعلای شیعیان لبنان را تأسیس کرد و رهبری فکری و سیاسی شیعیان این کشور را عهده‌دار شد. او در میان شیعیان به «امام موسی صدر» مشهور است.

**ارتباط با خانم مرضیه دباغ:**

خانم دباغ در دوران حضورش در خارج از ایران با سفر به لبنان با امام موسی آشنا شد. (کتاب خاطرات، فیش ۶۱)

خانم دباغ درباره وضع شیعیان در لبنان با دیدن مرد شیعه ای که مغازه مشروب فروشی دارد با امام موسی صحبت می کند و قانع می شود. (کتاب خاطرات، فیش ۶۳)

حسن دباغ برای یافتن مرضیه دباغ در خارج از ایران به دفتر امام موسی صدر

در لبنان مراجعه می کند و از این طریق دیدارش با مرضیه میسر می شود. (کتاب خاطرات، فیش ۶۵)

در لبنان کارتی از طرف دفتر امام موسی صدر برای خانم دباغ صادر شد تا راحت تر در لبنان تردد کند. این کارت به نام جعلی پاسپورت ایشان، زینت احمدی نیلی صادر شده بود. (کتاب خاطرات، فیش ۶۶)



نام: عبدالکریم سروش ( حسین حاج فرج دباغ)

تولد: آذر ۱۳۲۴ تهران

**فعالیت ها:** او در دانشگاه علوم پزشکی تهران داروسازی و در لندن در رشته شیمی تجزیه و فلسفه غرب تحصیل کرده‌است. وی در اوایل دهه ۵۰ شمسی عازم لندن شد و همراه با ادامه تحصیل در رشته شیمی تجزیه به مطالعه فلسفه غرب پرداخت، و به نمایندگی از سید محمد بهشتی به فعالیت در مراکز اسلامی شیعیان در لندن از جمله مرکز «امام باره» پرداخت. در سال‌های آخر حکومت پهلوی بود که کتاب «تضاد دیالکتیکی» وی به تألیف درآمد. این کتاب حاشیه تحسین‌آمیز مرتضی مطهری را در پی داشت.

**ارتباط با خانم مرضیه دباغ:**

خانم دباغ در ماه‌های آغازین حضور در خارج از کشور در جلسات بحث دکتر سروش در لندن حاضر می‌شد و مدتی در منزل دکتر سروش ساکن شد.  
(کتاب خاطرات، فیش ۵۴)

هویت واقعی خانم دباغ به عنوان مادر ۸ فرزند با سفر دکتر بهشتی به لندن برای عبدالکریم سروش آشکار شد که مایه شگفتی وی بود. (کتاب خاطرات، فیش ۵۴)





نام: مریم کاظم زاده

تولد: ۱۳۳۵ شیراز



**فعالیت ها:** قبل از انقلاب برای تحصیل به انگلستان عزیمت کرد و در نوفل لوشاتو به دیدار امام رفت. ۱۴ بهمن همراه خانواده امام به ایران برگشت. عکاس و گزارشگر جنگ بود. همسر شهید اصغر وصالی که در پاوه همراه شهید چمران جنگید.

**ارتباط با خانم مرضیه دباغ:**

اولین دیدار مریم کاظم زاده با خانم دباغ در جلسات یکشنبه های عبدالکریم سروش بود. ( کتاب خاطرات، فیش ۵۴)

در دوران فرماندهی سپاه همدان، کاظم زاده مجددا خانم دباغ را دید. کاظم زاده عکاس جنگ بود و مدتی با خانم دباغ همراه شده بود (مصاحبه با مریم کاظم زاده در ویژه نامه عمار)

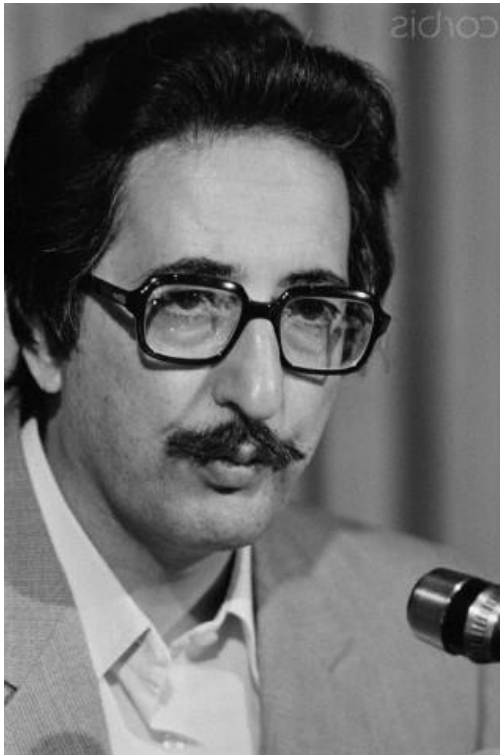
نام: ابوالحسن بنی صدر

تولد: فروردین ۱۳۱۲ همدان

**فعالیت ها:** یک سال پس از انقلاب سال ۱۳۵۷، به عنوان نخستین رئیس جمهور ایران انتخاب شد. وی که در ابتدا از حمایت روح‌الله خمینی (نخستین رهبر جمهوری اسلامی) برخوردار بود، به سمت فرماندهی کل قوا و ریاست شورای انقلاب رسید.

**ارتباط با خانم مرضیه دباغ:**

خانم دباغ در سال ۱۳۵۶ در پی اعتصاب غذا در کلیسای سنت مری دچار ضعف شد و مدتی در منزل بنی صدر ساکن شد. خانم دباغ همسر و دختر بنی صدر را به دور از تشرع اسلامی توصیف کرده. (کتاب خاطرات، فیش ۷۷) در دوران ریاست جمهوری بنی صدر، جنگ ایران و عراق آغاز شد و بنی صدر در همکاری ارتش با سپاه کارشکنی می کرد. (کتاب خاطرات، فیش ۱۲۲)



**نام:** مهدی عراقی

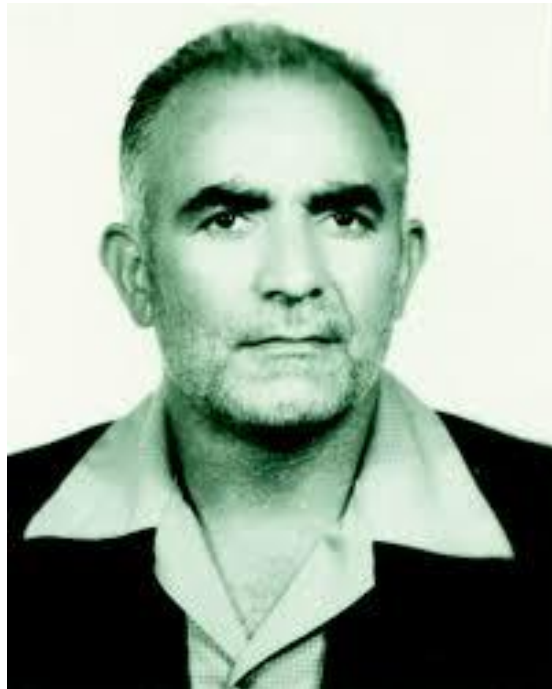
**تولد:** ۱۳۰۹ تهران

**فعالیت ها:** او و برخی از اعضا هیئت‌های موتلفه اسلامی در ترور حسنعلی منصور نخست وزیر حکومت محمد رضا شاه شرکت داشتند. پس از آزادی از زندان به نوفل لوشاتو رفت و مسئولیت اداره امور بیت امام را در آن جا بر عهده گرفت. مهدی عراقی پس از استقرار حکومت جمهوری اسلامی اولین مسئول زندان قصر تهران بود. وی سرانجام توسط یکی از گروه‌های رادیکال به نام گروه فرقان در همان سال اول حکومت جمهوری اسلامی ۴ شهریور ۱۳۵۸ ترور شد.

**ارتباط با خانم مرضیه دباغ:**

قبل از انقلاب زمانی که خانم دباغ در بیت امام در نوفل لوشاتو مشغول به خدمت بوده، مهدی عراقی نیز در آن جا حاضر بوده است و مسئول مدیریت امورات بین امام بوده است.

زمانی که امام به ایران رفتند، خانم دباغ به دلیل بستری بودن در بیمارستان امکان سفر به ایران را نداشتند. بعد از مرخص شدن از بیمارستان با ایران تماس گرفتند و در صحبتی با مهدی عراقی خواستار اجازه و کسب تکلیف از امام برای برگشت به ایران بودند. (کتاب خاطرات، فیش ۹۸)



**نام:** سید علی اندرزگو

**تولد:** ۱۳۱۸ تهران

**فعالیت ها:** وی پس از گذران دوره ابتدائی، به سبب مشکلات مالی خانواده تحصیلش را رها کرد و در یک کارگاه نجاری مشغول شد. در همین زمان پس از کار روزانه تا ساعتی از شب به تحصیل دروس فقه و اصول در مسجد هرنندی می‌پرداخت. اندرزگو در نوجوانی با شخصیت نواب صفوی و تشکیلات فدائیان اسلام آشنا شده بود و تا حد زیادی متأثر از آن بود. او در ترور حسنعلی منصور نقش داشت. مدتی در سوریه و لبنان دوره آموزشی نظامی دید. او پس از بازگشت به ایران، طی یک برنامه ۶ ماهه، رفت‌وآمدهای‌های محمد رضا پهلوی را به کمکی شخصی در کاخ سلطنتی، زیر نظر داشت. وی قصد داشت که با وارد کردن مواد منفجره از فلسطین، محمد رضا پهلوی را ترور کند. اما با شهادت، این تصمیم بزرگش را نتوانست انجام دهد.

**ارتباط با خانم مرضیه دباغ:**

خانم دباغ زمانی که در سوریه ساکن بود دیداری با سید علی اندرزگو داشت و تحت تاثیر معنویت او قرار گرفت و جزییاتی از کار تشکیلاتی از او آموخت. (کتاب خاطرات، فیش ۷۲)

شهید اندرزگو در پی انجام کار و خدمتی برای گروه شهید منتظری بود، به درخواست خانم دباغ برای تهیه قند، شهید اندرزگو شکر را نمناک کرد و با دست در قالبهای مکعبی شکل داد و جلوی چراغ خشک کرد. (کتاب خاطرات، فیش ۷۲)



**نام:** سید احمد خمینی

**تولد:** ۱۳۲۴ قم

**فعالیت ها:** سید احمد خمینی در پاریس علاوه بر برنامه‌ریزی دقیق برای تنظیم امور بیت و دفتر امام در نوفل لوشاتو، و برگزاری بموقع مصاحبه‌های مطبوعاتی و دقت و وسواس فراوان در ترجمه مصاحبه‌ها و پیامهای امام و جلوگیری از تحریف آنها، عهده دار برقراری ارتباطهای گسترده و لازم بین گروه‌های مختلف با روح‌الله خمینی بود.

**ارتباط با خانم مرضیه دباغ:**

قبل از انقلاب زمانی که خانم دباغ در بیت امام در نوفل لوشاتو مشغول به خدمت بوده، حاج احمد خمینی نیز در آن جا حاضر بوده است.

قبل از مراجعت امام خمینی بخ ایران، خانم دباغ در بیمارستان بستری بوده و حاج احمد برای اجازه گرفتن از دکتر برای مرخص کردن خانم دباغ از بیمارستان اقدام می کند اما دکتر اجازه مرخصی به خانم دباغ نمی دهد. (کتاب خاطرات، فیش ۹۶)

بعد از انقلاب خانم دباغ برای ارائه گزارش هفتگی و دیدار با امام به جماران می رفتند و با حاج احمد هم که مسئولیت برنامه ریزی امور امام را به عهده داشتند در ارتباط و تعامل بودند. خبر سفر به شوری برای ابلاغ نامه امام به گورباچف را حاج احمد تلفنی به خانم دباغ می دهد. (کتاب خاطرات، فیش ۱۳۵)



نام: فاطمه طباطبایی

تولد: ۱۳۳۳ قم



**فعالیت ها:** وی همسر سید احمد خمینی بود و بعد از ازدواج تحصیلات خود بطور مستمع آزاد تا دیپلم، در قم گذراند. پس از انقلاب کارشناسی فلسفه غرب ازدانشگاه تهران و کارشناسی ارشد و دکتری عرفان اسلامی را از دانشگاه آزاد اسلامی اخذ کرد. مدیریت گروه عرفان اسلامی پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی را بر عهده دارد.

**ارتباط با خانم مرضیه دباغ:**

قبل از انقلاب زمانی که خانم دباغ در بیت امام در نوفل لوشاتو مشغول به خدمت بوده، خانم فاطمه طباطبایی نیز در آن جا حاضر بوده است. خانم دباغ خاطراتی از زندگی و فرزندانش برای خانم طباطبایی تعریف می کرده. (کتاب اقلیم خاطرات)

بعد از انقلاب خانم طباطبایی و خانم دباغ به همراه خانمهای دیگر در سال ۱۳۶۵، جمعیت زنان جمهوری اسلامی را تشکیل دادند.



نام : خدیجه ثقفی

تولد: ۱۲۹۲ تهران



**فعالیت ها:** خدیجه ثقفی پس از اینکه ۴ بار به خمینی جوان برای ازدواج پاسخ رد داد بر اثر خوابی که در آن پیامبر و امامان شیعه را دیده بود با ازدواج با ایشان موافقت کرد. آن دو در ماه رمضان ۱۳۰۸ خورشیدی ازدواج کردند .  
در کتاب خاطرات فاطمه طباطبایی ذکر شده که خانم ثقی قبل از ازدواج زبان فرانسوی آموخته بودند و وقتی برای حضور نزد امام خمینی در نوفل لوشاتو رفتند، قادر به خواندن تابلوهای مسیر فرودگاه تا خانه بودند.  
خدیجه ثقفی فروردین ۱۳۸۸ در بیمارستان خاتم الانبیا درگذشت.

**ارتباط با خانم مرضیه دباغ:**

قبل از انقلاب زمانی که خانم دباغ در بیت امام در نوفل لوشاتو مشغول به خدمت بوده، خانم خدیجه ثقفی نیز در آن جا حاضر بوده است و خاطرات مشترکی از پذیرایی مهمانانی که به دیدار امام می آمدند داشتند. (کتاب اقلیم خاطرات)

**نام:** ابراهیم یزدی

**تولد:** ۱۳۱۰ قزوین

**فعالیت ها:** فعال سیاسی و دبیرکل نهضت آزادی ایران است. ابراهیم یزدی در دوران اقامت سید روح‌الله خمینی در نوفل‌لوشاتو، فرانسه از مشاوران او بود. او پس از پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ ایران، به همراه روح‌الله خمینی به ایران بازگشت. پس از استعفای کریم سنجابی از وزارت امور خارجه ایران، به عنوان «وزیر امور خارجه دولت موقت انقلاب» معرفی شد. وی سپس در سال ۱۳۵۸ خورشیدی، نماینده مردم تهران در دوره اول مجلس شورای اسلامی شد، اما پس از آن، صلاحیت‌اش برای نامزدی در انتخابات دوره‌های بعدی مجلس شورای اسلامی، توسط شورای نگهبان قانون اساسی، با استناد به بیانات امام خمینی علیه نهضت آزادی، رد شد.

**ارتباط با خانم مرضیه دباغ:**

قبل از انقلاب زمانی که خانم دباغ در بیت امام در نوفل‌لوشاتو مشغول به خدمت بوده، ابراهیم نیز در آن جا حاضر بوده است و همسر او گاهی در امورات منزل به خانم دباغ کمک می‌کرده.

خانم دباغ متوجه می‌شود که ابراهیم یزدی گاهی در مصاحبه با خبرنگاران نظرات خودش را به جای نظرات امام اعلام می‌کند. خانم دباغ به امام اطلاع می‌دهد و امام می‌گوید که بر دیوارها کاغذهایی با این متن نصب شود که نظرات امام فقط از زبان ایشان بیان می‌شود. (کتاب پا به پای افتاب)



نام : صادق قطب زاده

تولد: ۱۳۱۴ اصفهان

**فعالیت ها:** وی در سال ۱۳۴۸ از دانشگاهی در شهر نلسون کانادا فارغ التحصیل شد و سپس با یک پاسپورت سوریه‌ای که با کمک سید موسی صدر تهیه کرده بود در پاریس ساکن شد. او در آنجا به عنوان خبرنگار روزنامه سوریه‌ای الثورة فعالیت می‌کرد که پوششی بود برای انجام حرکت‌های انقلابی. قطب زاده در هواپیمایی که خمینی را به ایران می‌آورد در کنار او نشسته بود. قطب زاده پس از پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ وزیر امور خارجه و مدیرعامل سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران و عضو شورای انقلاب بود که به اتهام توطئه علیه حکومت جمهوری اسلامی در شهریور ۱۳۶۱ اعدام شد.

ارتباط با خانم مرضیه دباغ:

قبل از انقلاب زمانی که خانم دباغ در بیت امام در نوفل لوشاتو مشغول به خدمت بوده، صادق قطب زاده نیز در آن جا حاضر بوده است.

در زمان فرماندهی سپاه خانم دباغ در همدان، جلسات متعدد بحث با قطب زاده در خصوص عدم تخصیص اسلحه به گروهکهای لب مرزبان داشته است. (کتاب خاطرات، فیش ۱۲۷)





**نام:** یاسر عرفات (محمد عبدالرحمان عبدالرئوف القدوره الحسینی و کنیه أبو عمّار)

**تولد:** ۱۹۲۹ قاهره

**فعالیت ها:** او رئیس حکومت خودگردان فلسطین از هنگام تشکیل در ۱۹۹۶، رئیس سازمان آزادی‌بخش فلسطین از سال ۱۹۶۹ و رئیس و بنیانگذار جنبش فتح از سال ۱۹۵۹ تا هنگام مرگ بود.

عرفات در آغاز دهه ۱۹۹۰ میلادی، دولت اسرائیل را به رسمیت شناخت و به مذاکره با نخست وزیر وقت اسرائیل اسحاق رابین پرداخت .

**ارتباط با خانم مرضیه دباغ:**

شب پیروزی انقلاب اسلامی، یاسر عرفات با بیت امام در نوفل لوشاتو تماس می گیرد و با خانم دباغ صحبت میکند که قصد رفتن به ایران و تبریک به امام خمینی را دارد. خانم دباغ با تهران تماس می گیرد و به عرفات پاسخ می دهد که تنها راه ورود به ایران در حل حاضر مرز زمینی است. عرفات خود را به ایران می رساند. (کتاب خاطرات، فیش ۱۰۰)

**نام :** جواد منصورى

**تولد:** ۱۳۲۴ کاشان

برای تاسیس سپاه پاسداران ، جلسات مشاوره ای برگزار شد که خانم دباغ و جواد منصورى از اعضاى آن جلسات بودند. (کتاب خاطرات، فیش ۱۰۶)  
جواد منصورى اولين فرمانده سپاه غرب و خانم دباغ با حکم او فرمانده سپاه همدان شد. (کتاب خاطرات، فیش ۱۰۶)



**فعالیت ها:** جواد منصورى عضو حزب گروه ملل اسلامى معروف به گروه ۵۵ نفره بود. او به دنبال فعاليت‌هاى سياسى نخستين بار در سال ۱۳۴۴ دستگير و به شش سال زندان محکوم شد اما در سال ۱۳۴۸ آزاد شد. وى مبارزات خود در گروه حزب الله ادامه داد و مجددا در سال ۱۳۵۱ دستگير و تا انقلاب در زندان بود. جواد منصورى اولين فرمانده سپاه است.  
او از فروردين ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۷ معاون آسيا و اقيانوسيه وزير امور خارجه بود. سپس در سال ۱۳۶۸ به عنوان سفير جمهورى اسلامى ايران به پاكستان رفت و تا سال ۱۳۷۲ در اين سمت بود. جواد منصورى سال ۱۳۷۲ معاونت فرهنگى دانشگاه آزاد اسلامى به عهده گرفت و تا سال ۱۳۷۴ در اين سمت بود. وى همچنين از ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۸ سفير ايران در پکن بود. او در حال حاضر در مرکز اسناد انقلاب اسلامى مشغول به کار است.

**ارتباط با خانم مرضيه دباغ:**



نام : عباس دوزدوزانی

تولد: ۱۳۲۱ تبریز



**فعالیت ها:** در فاصله سالهای ۱۳۵۸ تا ۱۳۵۹ بعنوان فرمانده سپاه پاسداران فعالیت می کرد. وی از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۰ در کابینه محمدعلی رجایی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی بود. دوزدوزانی در دوره نخست مجلس شورای اسلامینماینده تبریز بود و در ادوار دوم و سوم مجلس شورای اسلامی نیز بعنوان نماینده تهران در مجلس حضور داشت. دوزدوزانی در حال حاضر با مقام کارشناس ارشد ریاست جمهوری بازنشسته است.

**ارتباط با خانم مرضیه دباغ:**

برای تاسیس سپاه پاسداران ، جلسات مشاوره ای برگزار شد که خانم دباغ و عباس دوزدوزانی از اعضای آن جلسات بودند. (کتاب خاطرات، فیش ۱۰۶)



**نام:** میراسدالله مدنی دهخوارقانی

**تولد:** ۱۲۹۳ آذرشهر

**فعالیت ها:** مدنی دروس ابتدایی علوم دینی را در حوزه علمیه یزد فراگرفت و برای ادامه تحصیل عازم قم شد و در آنجا تحصیلات خود را به پایان رساند. وقتی نواب صفوی مصمم به مبارزه مسلحانه شد، در تهیه اسلحه وی را یاری کرد. سپس چندین سال در حوزه علمیه نجف به تدریس مشغول گشت. در حوزه نجف در بین دوستان آیت‌الله مدنی معروف بود که «اسلحه‌ای که نواب صفوی تهیه کرد با پول کتاب‌های مدنی بود».

نماینده دوره اول مجلس خبرگان و امام جمعه تبریز بود که حین اقامه نماز، توسط سازمان مجاهدین مورد سوء قصد قرار گرفته و به شهادت رسید. از او با عنوان دومین شهید محراب انقلاب اسلامی یاد می‌شود.

**ارتباط با خانم مرضیه دباغ:**

بعد از تاسیس سپاه پاسداران، خانم دباغ به پیشنهاد آیت‌الله مدنی برای فرماندهی سپاه همدان معرفی شد. (کتاب خاطرات، فیش ۱۰۶)

بعد از بیانات امام درباره ژاندارمری، خانم دباغ نسبت به سپردن امنیت شهرها به ژاندارمری ها انتقاد داشتند و این انتقادشان را به آیت‌الله مدنی منتقل کردند. آیت‌الله مدنی به ایشان توصیه کردند که خودشان با امام صحبت کنند. ( کتاب خاطرات، فیش ۱۱۴ )



نام: حاج محمد تقى عالمى دامغانى

تولد:

فعاليت ها: فعاليت هاى مبارزاتى ايشان آنچنان ادامه داشت تا ساواک ايشان را

ممنوع المنبر و به شهرستان سردشت تبعيد نمود .

پس از حضور مجدد در همدان ، مبادرت به هدايت نهضت اسلامى به طرق

مختلف کردند که از آن جمله ، صدور اعلاميه مشترک در دى ماه ۵۷

در خصوص ضرورت حمايت مردم از پرسنل همافر پایگاه شاهرخى است .

ايشان بعد از پيروزى انقلاب نسبت به اقامه نماز جمعه در همدان مبادرت

نمودند ، همچنين در سال ۵۸ با صدور اطلاعیه ای از مردم خواستند در

رفراندوم جمهورى اسلامى شرکت و به وظيفه اسلامى خود عمل کنند . ايشان

در سالهاى اوليه انقلاب از کشور خارج شده و تا پايان عمر را در يکى از کشور

هاى اروپايى بسر بردند.

ارتباط با خانم مرضيه دباغ:

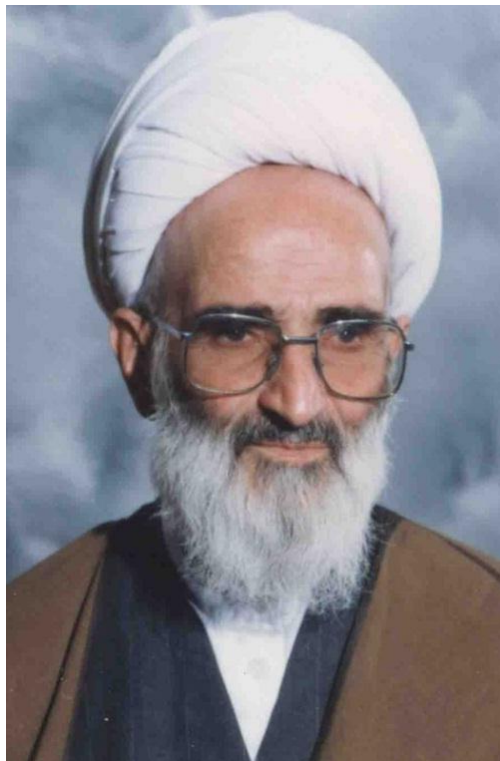
زمانى که خانم دباغ فرمانده سپاه همدان بود متوجه فعاليت فرزندان عالمى در

مجاهدين شد و براى تذکر دادن به منزل ايشان رفت که متوجه شنود

حرفهايشان و همکارى همسر وى با مجاهدين شد. به امام اطلاع داد و مطابق

دستور امام از منصب امام جمعه کنار گذاشته شد. ( کتاب خاطرات، فيش

۱۲۶)



نام: محمدجواد لاریجانی

تولد: ۱۳۳۰ نجف

**فعالیت ها:** سیاستمدار، ریاضیدان و نظریه پرداز سیاسی است. او معاون بین الملل و دبیر ستاد حقوق بشر قوه قضائیه و مدیر پژوهشگاه دانش های بنیادی است. او نماینده مجلس شورای اسلامی در دوره های دوم، چهارم و پنجم، معاون سابق وزارت امور خارجه و مؤسس مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی از فعالان سیاسی ایران بوده است. وی دانشجو دانشگاه کالیفرنیا، برکلی بوده است.



ارتباط با خانم مرضیه دباغ:

در سال ۱۳۶۷ محمد جواد لاریجانی و خانم دباغ در گروه ابلاغ پیام امام خمینی به گورباچف بودند.

نام: عبدالله جوادی آملی

تولد: ۱۳۱۲ آمل



فعالیت ها: فیلسوف، متأله، فقیه، اندیشمند، مفسر قرآن و مدرس حوزه علمیه قم و از مراجع تقلید شیعه ایرانی است.

وی سابقه عضویت مجلس خبرگان قانون اساسی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، مجلس خبرگان رهبری، شورای عالی قضایی را داشته و سالها یکی از امامان جمعه موقت قم بوده است.

ارتباط با خانم مرضیه دباغ:

در سال ۱۳۶۷ عبدالله جوادی آملی و خانم دباغ در گروه ابلاغ پیام امام خمینی به گورباچف بودند.